

پیش‌خواب

«اسرار قتل احمد دهقان»

در آینه یک پژوهش نوانشار

ترور مسکوت!

■ شاهد توحیدی



اسرار قتل احمد دهقان

ترور احمد دهقان، مدیر هفته‌نامه تهران مصور، در عداد قتل‌هایی است که پس از شهریور ۲۰ روی داد، اما عامل آن در پرده ماند. اثری که هم‌پنک به‌شما معرفی می‌شود، درصدد بوده

است تا به برخی از جنبه‌های مغفول این‌ ترور نور بتاباند و از آن ابهام‌زایی کند. داوود علی بابایی، نویسنده این اثر –که انتشارات ایران فردا آن را منتشر ساخته– در دیپاچه آن چنین آورده است: «می‌گویند گذشته چراغ راه آینده است؛ چگونه می‌توان به حوادث و اتفاقاتی که در گذشته روی داده است، پی‌برد؟ چگونه می‌توان از پیشرفت و توسعه گذشتگان که باعث رویدادهای دوران حال شده است، آگاه گردید؟ چگونه می‌توان از ظلم، جور و ستم فرمانروایان و حاکمان و پادشاهان تاریخ گذشته جامعه مطلع گردید؟ گفته‌های شفاهی و مکتوبات بهترین مأخذ و منبع برای آگاه شدن است و مطبوعات را با اینکه بیش از ۲۰۰ سال در ایران قدمت ندارند، می‌توان برترین و مؤثرترین منبع فهم و آگاهی از نسل‌های گذشته قلمداد کرد. مطبوعات آینه تمام‌نمای اتفاقات و رخ دادهایی است که در یک جامعه اتفاق می‌افتد و منعکس کننده آنها برای زمان حال و حتی آینده می‌باشد. می‌گویند جامعه‌ای که مطبوعات ندارد یا مطبوعات آن در حال سکون، سکوت و خفقان قرار دارد، مانند ساختمانی می‌ماند که فاقد چراغ و وسایل روشنایی می‌باشد و این چنین جامعه‌ای نمی‌تواند باعث آگاهی و درک مسائل فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، سیاسی و اقتصادی و غیره مردم آن خطه گردد. نباید فراموش کرد که این مطبوعات هستند که افشاکنده فسادها، ظلم‌ها و تباهی‌ها در یک جامعه می‌باشند و دست کارگران خطاکار و ستمگر و اجحاف‌کننده به حقوق مردم را رو می‌کنند.»



■ احمد دهقان مدیر «تهران مصور»

در حیطه مجلس شورای ملی

در آغازین فصل از اثر مورد معرفی، در باب پیشینه تهران مصور سخن رفته است. مؤلف در باب چگونگی نشو و نمای این هفته‌نامه، بر این باور است: «مجله تهران مصور به صاحب امتیاز ع. نعمت در تهران تأسیس و در سال ۱۳۰۸ شمسی منتشر شده است. طهران مصور معمولاً در ۱۶ صفحه به قطع وزیری بزرگ، هفته‌ای یکبار، روزهای شنبه طبع و شماره دوم سال اول آن در تاریخ شنبه ۲۲ آذرماه ۱۳۰۸ شمسی منتشر شده است. محل اداره مجله: تهران – کوچه حاجی باقر صراف. قسمت اشتراک آن داخله سالانه ۵۰قِران شش ماهه ۱۳ قِران و خارجه ۳ دلار و ۲۰ دلار. تک شماره ده‌شاهی. قیمت اعلانات به غیر از صفحه اول سطری سه قِران است. شعار مجله که روی جلد آن چاپ شده تصویر خرابه‌های طاق کسری و در بالای آن اسم روزنامه (تهران مصور) و در طرف راست کلمه تأسیس و در طرف چپ سال تأسیس ۱۳۰۸ طبع گردیده است. مندرجات مجله عبارت است از: مقالات مختلف اجتماعی و تاریخی و فکاهی و اخبار داخله و پاورقی مجله و مان (اسرار لاه‌زار) است. در شماره دوم سال اول مقاله به قلم آقای سعید نفیسی و نیز مقاله به قلم حبیب‌الله صحرچی به‌عنوان (هفته‌نسون) درج است. مجله تهران مصور از حیث طبع و کاغذ زیبا و مرغوب نیست، ولی از حیث مندرجات مجله مفید و سودمندی است. تهران مصور به وضع مذکور مدتی منتشر می‌شد و بعداً تعطیل گردیده و مجدداً پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ به مدیریت مرحوم (احمد دهقان) و به وضع مطلوبی منتشر شده است.

تهران مصور هنگامی که به مدیریت احمد دهقان منتشر می‌شد، یکی از بهترین مجلات هفتگی تهران بود و از لحاظ مبارزه‌های شدیدی که مدیر آن با توده‌ای‌ها می‌کرد آن را در صف اول روزنامه‌های مبارز قرار داده بود. مقالات و داستان‌های تاریخی و اخبار رزّه‌بینی طهران مصور قابل استفاده برای عموم بود به قسمی که تیراژ مجله به چند هزار می‌رسید. این وضع تا موقعی که احمد دهقان به قتل رسید ادامه

نمی‌شد.»
اما روزنامه‌های مبارز قرار داده بود. مقالات و داستان‌های تاریخی و اخبار رزّه‌بینی طهران مصور قابل استفاده برای عموم بود به قسمی که تیراژ مجله به چند هزار می‌رسید. این وضع تا موقعی که احمد دهقان به قتل رسید ادامه نمی‌شد.»
اما روزنامه‌های مبارز قرار داده بود. مقالات و داستان‌های تاریخی و اخبار رزّه‌بینی طهران مصور قابل استفاده برای عموم بود به قسمی که تیراژ مجله به چند هزار می‌رسید. این وضع تا موقعی که احمد دهقان به قتل رسید ادامه نمی‌شد.»

د

زاهدی هنگام بحث درباره قرارداد کنسرسیونم، در جلسه مشترک هیئت رئیسه دو مجلس گفت: «با تمدید قرارداد در واقع کلاه سر انگلیسی‌ها و امریکایی‌ها رفته است، برای اینکه تا هفت، هشت سال دیگر نیروی اتم جای سوخت نفت را در دنیا می‌گیرد و ذخایر نفت ایران بی‌مصرف می‌ماند!»

عاریخ

کفت و گو ۸۸۴۹۸۴۳۷



خوانشی از کنسرسیونم نفت به مثابه نمادی از قراردادهای حکومت پهلوی با بیگانگان

قراردادهای پهلویستی

امتیازدهی گسترده به کشورهای صنعتی

کمونیسم را پیش می‌کشد و در نهایت به‌رغم نقض قوانین

اننتی تراست در امریکا تأییدیه برای این مذاکرات گرفته می‌شود. (۱) دلیلی بر این نیست که همه ماجرا خلاصه در خطر کمونیسم باشد. در پیش‌نویسی با عنوان طرح خط مشی امریکا، به تاریخ ۴ مارس ۱۹۵۱ آمده است: «منافع امنیتی ایالات متحده همچنان حکم می‌کند که ایران، چه در نتیجه تهاجم و چه بر اثر خرابکاری داخلی، زیر سلطه کمونیسم قرار نگیرد. ایران در موقعیت استراتژیکی بسیار مهمی قرار گرفته است و اشغال آن به دشمن امکان می‌دهد، مناطق نفت‌خیز مجاور، ترکیه، کشورهای شرق مدیترانه، پاکستان و هند را تهدید کند. منافع نفتی ایران برای اقتصاد انگلستان و کشورهای اروپای غربی اهمیت فراوان دارد و از دست دادن این منابع بر اقتصاد کشورها مزبور در زمان صلح اثر منفی می‌گذارد. همچنین به علت تعهدات ایالات متحده در نقاط دیگر جهان، تفاهم با انگلیس که در ابتکار حمایت نظامی ایران مسئولیت دارد، باید ادامه یابد.»

■ شیوه‌نوین امریکایی‌ها در استعمار ملل ضعیف
لازم به ذکر است، آنچه همواره مدنظر سیاستمداران و به‌تکرات امریکایی در طول تاریخ بوده است، از بین بردن حکومت‌ها و به دست گرفتن حاکمیت کشورها نیست. بر خلاف آنچه همواره برپیتانیا در پرونده خود ثبت کرده و آن برانگیختن ترح‌کات خرابکارانه و شورش طلبانه در کشورهای توسعه یافته با اهداف استفاده از منابع ازران کشورهای توسعه نیافته، اقدام به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در این قبیل کشورها می‌نمایند و در تمام حضو در کشور میزبان، متوجه این اصل مهم نیز هستند که مبدا تکنولوژی و آموزش نیروی کارشناسی هر دو با هم انتقال یابند. چه اینکه اگر این خود کفایی در کشورهای توسعه نیافته ایجاد شود، آنها نیازی به سرمایه‌گذاری خارجی برای ایجاد توسعه ندارند و تولید داخلی در این کشورها شکل می‌گیرد. قراردادهای بلندمدت تاریخ پهلوی نیز از این دسته مستثنی نیست، مطالعه قراردادهای بلندمدت دوران پهلوی نشان می‌دهد آن دسته از قراردادهایی که در مراحل مذاکرات آن، امتیازدهی گسترده به کشورهای صنعتی انجام شده است، بیش از آنکه توسعه را انتقال دهد، به دریافت رویوش توسعه‌یافتگی بدون داشتن بیکر و بدنه پیشرفت منجر شده است. از جمله مصادیق بارز آن قرارداد موسوم به کنسرسیونم است که در طرف پهلوی یک کارشناسی هزینه خود دولت پهلوی و ارسال گروه کارشناسی غول‌های نفتی جهان، ۳۴۰ میلیون تن نفت در طول ۹ سال از کشور خارج می‌شود و این در حالی است که این رقم بیشتر از میزان نفتی است که شرکت انگلیسی نفت ایران و انگلیس در طول قریب ۵۰سال در ازای قرارداد از ایران خارج کرد. چرا کنسرسیونم قراردادی استعماری و اسبابا امتیازدهی است تا معاهده دوچانه.

اینکه دولت امریکا در مقابل مقامات قضایی خود برای توجیه مذاکرات کنسرسیونم خطر چیره شدن خریدنفت دولت مصدق نبود. (۳) به کنسرسیونم است که در طرف نفتی جهان بنای تحریم هزینه خود دولت پهلوی و ارسال گروه کارشناسی غول‌های نفتی جهان، ۳۴۰ میلیون تن نفت در طول ۹ سال از کشور خارج می‌شود و این در حالی است که این رقم بیشتر از میزان نفتی است که شرکت انگلیسی نفت ایران و انگلیس در طول قریب ۵۰سال در ازای قرارداد از ایران خارج کرد. چرا کنسرسیونم قراردادی استعماری و اسبابا امتیازدهی است تا معاهده دوچانه.

اینکه دولت امریکا در مقابل مقامات قضایی خود برای توجیه مذاکرات کنسرسیونم خطر چیره شدن خریدنفت دولت مصدق نبود. (۳) به کنسرسیونم است که در طرف نفتی جهان بنای تحریم هزینه خود دولت پهلوی و ارسال گروه کارشناسی غول‌های نفتی جهان، ۳۴۰ میلیون تن نفت در طول ۹ سال از کشور خارج می‌شود و این در حالی است که این رقم بیشتر از میزان نفتی است که شرکت انگلیسی نفت ایران و انگلیس در طول قریب ۵۰سال در ازای قرارداد از ایران خارج کرد. چرا کنسرسیونم قراردادی استعماری و اسبابا امتیازدهی است تا معاهده دوچانه.

اینکه دولت امریکا در مقابل مقامات قضایی خود برای توجیه مذاکرات کنسرسیونم خطر چیره شدن خریدنفت دولت مصدق نبود. (۳) به کنسرسیونم است که در طرف نفتی جهان بنای تحریم هزینه خود دولت پهلوی و ارسال گروه کارشناسی غول‌های نفتی جهان، ۳۴۰ میلیون تن نفت در طول ۹ سال از کشور خارج می‌شود و این در حالی است که این رقم بیشتر از میزان نفتی است که شرکت انگلیسی نفت ایران و انگلیس در طول قریب ۵۰سال در ازای قرارداد از ایران خارج کرد. چرا کنسرسیونم قراردادی استعماری و اسبابا امتیازدهی است تا معاهده دوچانه.



علی امینی، وزیر دارایی وقت و نماینده ایران در کنسرسیونم در حال باز کردن شیر نفت

د

ظاهر قرارداد، مالکیت ایران را بر دارایی‌های نفتی به رسمیت می‌شناخت، ولی این مالکیت بی‌محتوا بود و مالک، خود حق تصرف در آن دارایی‌ها را نداشت! حق انحصاری استفاده از تمام تأسیسات، به کنسرسیونم واگذار شده بود. نفت در زیر زمین متعلق به ایران بود، ولی به سر چاه که می‌رسید، به مالکیت کنسرسیونم درمی‌آمد!

بهردارد. بنابراین به‌رغم اینکه ملی شدن صنعت نفت ایران در مذاکرات پذیرفته شد، ایران بابت آن امتیاز لغو شده شرکت انگلیسی غرامت ایام سه‌ساله دولت مصدق را نیز پرداخت نمود. (۹) ایرج ذوقی می‌نویسد کنسرسیونم «کوششی بود در راه تلفیق اصولی که کمپانی‌ها از آن دفاع می‌کردند، با اصولی که ایران در نتیجه ملی شدن نفت، خود را ملزم به رعایت آنها می‌دانست. منتها آن روز ایران در موقعیتی بسیار ضعیف قرار گرفته بود و بر عکس، کمپانی‌ها در اوج قدرت خود بودند. این بود که در مقام سازش بین اصول موردنظر دو طرف، گفته ترازو طبعاً به نفع طرف قوی‌تر چربید و شرکت ملی نفت ایران در برابر کنسرسیونم به صورت مالک و صاحبکاری درآمد که حقوق و اختیارات خود را به مباشر سر کارگزار خود تفویض کرده و از مالکیت به اسمی قناعت نموده باشد.» (۱۰)

■ امینی و شیوه او در متقاعد کردن مجلس برای کنسرسیونم
مذاکرات میان ایران و کنسرسیونم به پایان رسید و حال نوبت متقاعد کردن مجلس شورای ملی در ایران بود که رأی به تصویب آن دهد. در همین زمان محمدرضا شاه به نمایندگان دستور می‌دهد «بدون اتلاف حتی یک دقیقه وقت» این قرارداد تصویب شود. هم‌زمان با این دستور امینی سعی در اثبات این قضیه دارد که قرارداد کنسرسیونم به نفع ایران است. (۱۱)

محمدعلی موحّد در کتاب خواب آشفته نفت درباره توضیحات امینی برای مجلس شورای ملی می‌نویسد: «شگرد کار امینی از این‌شاخه به آن‌شاخه برین‌هاست که یک مشت الفاظ و مطالب ناقص، ناتمام و لاف‌لان را قطار کردن، برای مجلسی که وکلایش دست‌چینی از کشورهای هند اقام می‌کردند و در هیئت‌مدیره هفت نفری هر کدام از این شرکت‌ها که به نام شرکت‌های عامل نامیده می‌شدند، فقط دو نفر را شرکت ملی نفت ایران انتخاب می‌کرد. در نتیجه، با انعقاد قرارداد کنسرسیونم چیزی که باقی نمی‌ماند، همان حق مالکیت مردم ایران بود. (۱۷)

■ زاهدی: در واقع کلاه سر انگلیسی‌ها و امریکایی‌ها افتنا
سرلشکر زاهدی هنگام بحث درباره قرارداد کنسرسیونم در جلسه مشترک هیئت رئیسه دو مجلس گفت: «با تمدید قرارداد در واقع کلاه سر کشورهای هند اقام می‌کردند و در هیئت‌مدیره هفت نفری هر کدام از این شرکت‌ها که به نام شرکت‌های عامل نامیده می‌شدند، فقط دو نفر را شرکت ملی نفت ایران انتخاب می‌کرد. در نتیجه، با انعقاد قرارداد کنسرسیونم چیزی که باقی نمی‌ماند، همان حق مالکیت مردم ایران بود. (۱۷)

■ مالکیت بی‌محتوای ایران این منابع نفتی!
ظاهر قرارداد، مالکیت ایران را بر دارایی‌های نفتی به رسمیت می‌شناخت، ولی این مالکیت بی‌محتوا بود و مالک، خود حق تصرف در آن دارایی‌ها را نداشت. حق انحصاری استفاده از تمام تأسیسات برای تمام دوره قرارداد به کنسرسیونم واگذار شده بود. نفت در زیر زمین، یعنی در عالم غیب مال ایران بود، ولی به سر چاه که می‌رسید و پا به عرصه ظهور می‌گذاشت، به مالکیت کنسرسیونم درمی‌آمد. درحالی که برخی معتقدند ایران در آن برهه زمانی پسر اثر تحریم‌ها دچار ضعف اقتصادی بود و این چارهای جز قبول کنسرسیونم را باقی نمی‌گذاشت. کارشناسان اما می‌گویند که این قرارداد در واقع نوعی امتیازنامه است که به شدیدترین وجه منافع ملی و استقلال ایران را تحت‌الشعاع قرار داد و کشورهای غربی را به مواضع سابق آنها در ایران بازگرداند. با این تفاوت که این‌بار شرکت‌های امریکایی نیز توانستند از نفت جنوب ایران بهره‌برداری کنند. (۱۲)

حوزه فعالیت کنسرسیونم علاوه بر قسمتی از خاک بلوچستان، قسمت جنوبی استان کرمان، تمام استان فارس، قسمت جنوبی استان اصفهان و تمام استان‌های خوزستان، لرستان، بروجرد، ملایر و صفحات جنوبی کرمانشاه جزایر خارک، کیش، قشم، هرمز، شعیب، هنگام و چند جزیره کوچک‌تر در جنوب کشور را دربرمی‌گرفت. (۱۴) مدت این قرارداد ۲۵ سال از تاریخ اجرا بود که البته اعضای کنسرسیونم می‌توانستند سه دوره پنج‌ساله آن را تمدید کنند. با این توصیف در حقیقت عمر این قرارداد ۴۰ ساله بود و براساس متن قرارداد ایران نمی‌توانست با تمدید سه دوره‌ای قرارداد مخالفت کند.

جزء «الف» ماده ۳ کنسرسیونم می‌گوید: «به منظور اجرای این قرارداد و برای آنکه عملیات اکتشاف و تولید و تصفیه و حمل‌ونقل و سایر عملیات مشروح در ماده ۴ این قرارداد انجام گردد، اعضای کنسرسیونم ترتیبی داده‌اند که شرکت‌های عامل بر طبق قوانین

جوان

روزنامه جوان | شماره ۵۹۸۴

کشور هلند تأسیس شوند و تعهد می‌کنند که این قرارداد را به امضای شرکت‌های عامل برسانند. به محض امضای این قرارداد، هر یک از شرکت‌های عامل مزبور در حکم طرف این قرارداد شناخته شده و اعضای کنسرسیونم بدین‌وسیله مجتمعاً و منفرداً انجام تعهدات مربوطه را که طبق این قرارداد بر عهده شرکت‌های عامل می‌باشد، تضمین می‌نمایند.» (۱۵)

■ نمایندگان کنسرسیونم و عدم‌نرمش در برابر هیئت ایرانی
هیئت ایرانی، نخست بر آن بودند که اختیار این امور باید در دست شرکت ملی نفت ایران باشد. نمایندگان کنسرسیونم می‌گفتند، دستورالعملی که از رؤسای خود دارند، اجازه هیچ‌گونه نرمش و کوتاه آمدن در این‌باره را نمی‌دهد. هیئت ایرانی هم ملاحظه افکار عمومی و مجلس را پیش می‌کشیدند و حاضر نبودند در این زمینه کوتاه بیایند. سرانجام قرار شد دو طرف، با حفظ مواضع اولیه خود، در مورد راه‌حل‌هایی در حد‌وسط نیز بحث کنند. راه‌حل میانه جز این نبود که مهار کار به دست کنسرسیونم باشد، منتها کنسرسیونم اختیارات خود را از شرکت ملی نفت ایران بداند و وظایف خود را با عنوان عامل و کارگزار شرکت ملی نفت ایران اجرا کند (در نظر نه در عمل). همچنین کنسرسیونم پیشنهاد کرد که مدیریت عملیات را از طریق دو شرکت فرعی خود که تابعیت انگلیسی داشتند، اعمال کند. (۱۶)

در مورد ترکیب هیئت‌مدیره اداره عملیات هم جزء «د» ماده ۳ می‌گوید: «هیئت‌مدیره هر شرکت از اعضای کنسرسیونم در مقابل ایران دارند، دو نفر از اعضای هیئت‌مدیره هر شرکت از طرف شرکت ملی نفت ایران تعیین خواهند شد.» بدین‌ترتیب با وجودی که در قانون ملی کردن صنعت صریحاً ذکر شده است: دولت باید امور اکتشاف، تولید و پالایش را به عهده بگیرد، کنسرسیونم تشکیل شده از انحصارهای نفتی بین‌المللی خود را سبب تشکیل کشورهای لازم برای اجرای این امور بر طبق قوانین کشور، هلند اقام می‌کردند و در هیئت‌مدیره هفت نفری هر کدام از این شرکت‌ها که به نام شرکت‌های عامل نامیده می‌شدند، فقط دو نفر را شرکت ملی نفت ایران انتخاب می‌کرد. در نتیجه، با انعقاد قرارداد کنسرسیونم چیزی که باقی نمی‌ماند، همان حق مالکیت مردم ایران بود. (۱۷)

■ زاهدی: در واقع کلاه سر انگلیسی‌ها و امریکایی‌ها افتنا
سرلشکر زاهدی هنگام بحث درباره قرارداد کنسرسیونم در جلسه مشترک هیئت رئیسه دو مجلس گفت: «با تمدید قرارداد در واقع کلاه سر کشورهای هند اقام می‌کردند و در هیئت‌مدیره هفت نفری هر کدام از این شرکت‌ها که به نام شرکت‌های عامل نامیده می‌شدند، فقط دو نفر را شرکت ملی نفت ایران انتخاب می‌کرد. در نتیجه، با انعقاد قرارداد کنسرسیونم چیزی که باقی نمی‌ماند، همان حق مالکیت مردم ایران بود. (۱۷)

۱- قواد روحانی، تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۲، صص ۴۴۴-۴۳۳
۲- یحیٰ امتیازنفت، کنسرسیونم، محمدامیرشیرخ نوری، زمانه، ۱۳۸۷، شماره ۶۹
۳- شاهرخ وزیری، نفت و قدرت در ایران، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: عطایی، ۱۳۸۰، ص ۳۱۲
۴- اسناد روابط خارجی امریکا درباره نهفت ملی شدن نفت ایران، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و شاهرخ پازنگ، ۱۳۷۲، تهران: علمی، ۱۳۷۷، ص ۵۱
۵- یحیٰ امتیازنفت، کنسرسیونم، محمدامیرشیرخ نوری، همان
۶- اسماعیل اقبال، نقش انگلیس در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۵، صص ۱۲۹-۱۳۰
۷- محمود طلوعی، بازی قدرت، جنگ نفت در خاورمیانه، تهران: نشر علم، ۱۳۷۱، ص ۲۱۶
۸- همان
۹- شاهرخ وزیری، نفت و قدرت در ایران، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: عطایی، ۱۳۸۰
۱۰- ایرج ذوقی، مسائل سیاسی-اقتصادی ایران، تهران: پازنگ، ۱۳۷۲، صص ۲۹۷-۲۹۸
۱۱- سیاست‌خارجی ایران در دوران پهلوی عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر البرز-۱۳۷۳، صص-۲۳.
۱۲- محمدعلی موحّد، نفت ما و مسائل حقوقی آن، تهران: خوارزمی، ۱۳۵۷، صص ۳۰۳-۳۰۴
۱۳- م.س ایولف، تاریخ نوین ایران، ترجمه هوشنگ تیزایی و حسن قائم‌پناه، تهران: انتشارات حزب توده ایران، ۱۳۵۶، ص ۱۸۲
۱۴- محمدحسن طباطبایی، سقوط، جلد اول، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی
۱۵- کتاب سفید (تاریخچه و متن قراردادهای مربوط به نفت ایران)، تهران: شرکت ملی نفت ایران، ۱۳۴۴، ص ۴۰
۱۶- محمدعلی موحّد، خواب آشفته نفت از کودتای ۲۸ مرداد تا سقوط زاهدی، همان، صص ۳۳۹-۳۴۰
۱۷- ابراهیم رزاقی، قراردادهای نفتی با اسناد خیانت، تهران: روزبهان، ۱۳۵۸، ص ۴۱
۱۸- غلامرضا بجائی، تاریخ سیاسی ۲۵ ساله ایران، همان، ص ۸۹